

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله مباحث امامت و مهدویت (۱۱)

علیه السلام

زمان

www.ketab.ir

و ابستکی جهان

حضرت آية الله العظمى صافی کلبایکافی

سرشناسه : صافی کلیایگانی، لطف الله
 عنوان و نام پدیدآور : وابستگی جهان به امام زمان (عج) / لطف الله صافی کلیایگانی
 مشخصات نشر : قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی کلیایگانی مطبعه، ۱۳۹۳
 مشخصات ظاهری : ۸۷ص.
 فروبت : سلسله مباحث امامت و مهدویت؛ ۱۱.
 شابک : ۳-۸۰-۵۱۰۵-۶۰۰-۹۷۸ : ۲۵۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 یادداشت : کتابنامه: ص ۱۷۲ - ۸۰ همچنین به صورت زیرنویس.
 موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق-
 موضوع : مهدویت -- انتظار
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۳ ۲و۲ص/ ۲۲۲/۱ BP
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۶۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۲۲۲۶۰۵

دفتر تنظیم و نشر آثار

حضرت آیت الله العظمی صافی کلیایگانی (عج)

- نام کتاب: وابستگی جهان به امام زمان (عج)
- مؤلف: حضرت آیت الله العظمی لطف الله صافی کلیایگانی مدظله العالی
- چاپ اول ناشر (ششم کتاب): جمادی الثانی ۱۴۳۵ / بهار ۱۳۹۱
- شمارگان: ۳۰۰۰
- بهاء: ۲۵۰۰ تومان
- شابک: ۳-۸۰-۵۱۰۵-۶۰۰-۹۷۸
- سایت الکترونیک: www.safi.net
- پست الکترونیک: safi@safi.net
- آدرس پستی: قم / انقلاب ۶ / پلاک ۱۸۱
- تلفن: ۳۷۷۲۳۸۰ (۰۲۵)

سوابق نشر این کتاب

۱. مؤسسه الامام المهدی (عج) ۱۳۶۲ ش.
۲. انتشارات حضرت معصومه (ع) ۱۳۸۰ ش (در مجموعه ۳ جلدی امامت و مهدویت).
۳. مؤسسه الامام المهدی (عج) ۱۳۸۷ ش.
۴. انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۹۰ ش.
۵. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) ۱۳۹۱ ش.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۵
بررسی و توجیه اول.....	۱۳
بررسی و توجیه دوم.....	۲۱
بررسی و توجیه سوم.....	۳۹
بررسی و توجیه چهارم.....	۴۴
بررسی و توجیه پنجم.....	۴۶
کتاب نامه.....	۷۳
آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الوارف در یک نگاه.....	۸۱

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِ رُسُلِهِ
أَجْمَعِينَ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الَّذِينَ هُمْ
أَرْكَانُ الْإِيمَانِ، وَأَمَنَاءُ الرَّحْمَنِ وَأَمَانَ لِأَهْلِ الْأَرْضِ
وَالسَّمَاءِ يَنْفُسُكَ اللَّهُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا
بِإِذْنِهِ وَيَوْمَ تَسُكُّ الْأَرْضُ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَبِهِمْ
يُنْزَلُ الْغَيْثُ وَتَنْسِلُ الشُّجَرُ وَتُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ
وَلَوْلَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنْهُمْ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا.^۱
« قَالَ الْإِمَامُ أَبُو جَعْفَرٍ الْبَاقِرُ (ع) :

«لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رَفَعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةَ لَسَاخَتْ
بِأَهْلِهَا وَمَاجَتْ كَمَا يَمْوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ»^۲

ترجمه به مضمون:

«اگر زمین ساعتی خالی از امام بماند اهل خود را فرو
خواهد برد و چون دریائی که به موجش اهلس را
مضطرب و بی قرار سازد در موج و اضطراب افتد».

۱. اقتباس از احادیث باب ۲۱ کمال الدین صدوق، ص ۲۱۰ - ۲۰۱؛ و کتاب‌های دیگر.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۱۳۹ - ۱۴۰.

پیشگفتار

باید توجه داشت که اصل وابستگی سایر ممکنات به وجود امام علیه السلام و چگونگی آن و مسائل مشابه آن را، دانشمندان و علمای حکمت و عرفان با دلائل عقلی و فلسفی و عرفانی اثبات کرده‌اند. چنان‌که به وسیله وحی و خبر آن که با عالم غیب ارتباط و اتصال دارند و از غیب عالم و علم کتاب و روابط نهانی و پنهانی ممکنات با یکدیگر، باذن الله تعالی و به عنایت و لطف او، مطلع می‌باشند نیز ثابت است و طبق همین اطلاعاتی که ایشان به ما می‌دهند، فرضاً دلیل عقلی مستقل هم نباشد، به آنچه خبر می‌دهند اعتقاد پیدا می‌کنیم.

زیرا برای تحقیق این گونه موضوعات - به خصوص تئو-فیزیک - راهی مطمئن‌تر و باوربخش‌تر از وحی و اخبار انبیا و اوصیای آنها نیست؛^۱ چنان‌که وجود ملائکه و اصناف آنها و مأموریت‌ها و مداخلاتشان در عالم و تصرفات و ارتباطاتی که با تنظیم عالم دارند،

۱. پیرامون علم انبیا و اولیا، به مفیبات و چگونگی و واقعیت آن، که امری انکارناپذیر است، مراجعه شود به کتاب‌هایی که یا در خصوص این موضوع نوشته شده، یا به مناسبتی این مباحث در آنها پیگیری شده است از جمله تألیفات این حقیر مثل *نوید امن و امان و پرتوی از عظمت امام حسین علیه السلام و فروغ ولایت در دعای ندبه*.

برحسب قرآن مجید^۱ و احادیث شریفه^۲، ثابت و مسلم است و هرکس به نبوت و وحی و قرآن مجید و رسالت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله مؤمن باشد، به آن نیز ایمان دارد زیرا ایمان به صدق انبیا و وحی و انباء و اخبار آنها، قابل تبعیض نیست. بنابراین در این موضوع نیز این راه شناخت، مورد استناد و کمال اعتماد و یقین آور و اطمینان بخش است.

برحسب روایاتی که در تفسیر بعضی از آیات قرآن مجید وارد شده و همچنین روایاتی که مستقلاً روایت شده، وابستگی جهان به وجود امام علیه السلام ثابت است و هرچند بعضی از این روایات به وابستگی بعضی از این عالم مثل زمین، بیشتر دلالت نداشته باشد، اما بعضی دیگر بر وابستگی کل دلائل دارد. مضافاً اینکه بعضی از معیارها و ملاک‌ها که این وابستگی را تأیید می‌نماید عام است و وابستگی کل عالم را اثبات می‌کند.

ناگفته نماند که از طرق اهل سنت نیز احادیثی که فی الجمله دلالت بر این موضوع دارد، روایت شده است؛ مثل روایتی که «عبید بن بطة عکبری» که از محدثین مشهور و نامدار است^۳، در کتاب **الابانه** به

۱. انعام، ۶۱ نحل، ۲ احزاب، ۹ حاقه، ۱۷ مرسلات، ۱-۵ نازعات، ۱-۵ انفطار، ۱۰-۱۳.

۲. صحیفه سجاده، دعای ۳ (ص ۳۷-۴۰)؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۲۱۷-۲۱۸.

۳. شرح زندگی او در **تاریخ بغداد** (خطیب بغدادی، ج ۱۰، ص ۳۷۰) و **لسان المیزان** (ابن حجر عسقلانی، ج ۴، ص ۱۱۲-۱۱۵) مذکور است.

سند خود از عبدالله بن امیه مولى مجاشع^۱، از یزید رقاشی^۲ از انس بن مالک^۳ به این لفظ روایت کرده است:

قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ قِذَا
مَضَوْا سَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»^۴

انس گفت: رسول خدا ﷺ فرمود:

«همواره این دین برپا خواهد بود تا دوازده نفر، پس
وقتی که آن دوازده نفر درگذشتند، زمین اهل خود را
فرو خواهد برد»

۱. رازی در *الجرح و التعديل* شرح زندگی عبدالله بن امیه قرشی را نوشته است (ج ۵، ص ۸)، که ظاهراً غیر از عبدالله بن امیه مولى مجاشع است، و در *معجم الرواة* (ارذبیلی، ج ۱، ص ۴۷۲)، شرح حال عبدالله بن امیه سکونی را نوشته است که از اصحاب حضرت امام صادق علیه السلام است.
۲. شرح حال یزید بن ابان رقاشی در *تهذيب/تهذيب ابن حجر* عسقلانی ذکر است (ج ۱۱، ص ۲۷۰ - ۲۷۲).
۳. انس بن مالک از صحابه معروف است که ماجرای زندگی و تاریخ حالات او در کتاب‌های تاریخ و تراجم مثل *الاستيعاب* (ابن عبدالبر، ج ۱، ص ۱۰۹ - ۱۱۱)، و *الإصابة* (ابن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۲۷۵ - ۲۷۸) و *اسد الغابة* (ابن اثیر جزیری ج ۱، ص ۱۲۷ - ۱۲۸) و غیره آمده است.
۴. محدث نوری، *كشف الاستار*، ص ۹۹. در بعضی نسخه‌ها کلمه «سَاخَتْ» «سَاخَتْ» نوشته شده است و پوشیده نماند که احادیث دال بر امامت ائمه اثنی عشر علیهم السلام از طرق اهل سنت متواتر است و بیش از سی نفر از صحابه این احادیث را روایت کرده‌اند و این روایات بر صحت مذهب شیعه اهل بیت علیهم السلام که معتقد به امامت ائمه اثنی عشر علیهم السلام می‌باشند، دلالت دارند و بر هیچ‌یک از مذاهب سایر فرق مسلمین قابل انطباق نیستند، خصوصاً که در خود این روایات، روایات مطلقه تفسیر شده و در روایاتی مثل روایت حافظ معروف «ابوالفتح بن ابوالفوارس» در *ربیعین* خود به اسامی ایشان نیز تصریح شده است.

و چنان‌که از بعضی احادیث استفاده می‌شود، از صدر اول و عصر صحابه، افراد برجسته‌ای از آنان، مانند سلمان و ابوذر - که نمی‌توان معتقداتشان را جز به استناد به هدایت و بیان و ارشاد حضرت رسول اعظم (ص) مستند دانست - این وابستگی را بازگو کرده و به دیگران می‌آموختند، از جمله از سلمان و ابوذر در مقام توصیف امیرالمؤمنین علی (ع) روایت شده است:

«إِنَّهُ لَزُرُّ الْأَرْضِ الَّذِي تَسْكُنُ إِلَيْهِ وَيُسْكُنُ إِلَيْهَا،
وَلَوْ قَدْ أَنْكَرْتُمُ الْأَرْضَ وَأَنْكَرْتُمُ النَّاسَ»^۱

ابن اثیر در *النهاية* و ابن منظور در *لسان العرب*، «زر» را به استخوانی که در زیر قلب است و قوام را به آن گفته‌اند، معنی کرده‌اند که بنابراین، ترجمه این جمله این است:

«علی (ع) قوام زمین است، که زمین به سوی او آرام می‌گیرد و به سوی آن سکون و آرامش حاصل می‌شود. اگر او (یا جانشین او) نباشد، هراینه زمین مردم را، منکر و دگرگون و به وضع دیگر و ناشناخته خواهید دید».

۱. ابن اثیر، *النهاية*، ج ۲، ص ۳۰۰؛ ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۴، ص ۳۲۲ (لفت «زر»).

مخفی نماند که این حدیث در کتاب‌های معتبر شیعه نیز روایت شده، از جمله در *امالی* شیخ مفید (ع) مجلس هفدهم از سلمان روایت شده است. در *امالی* شیخ مفید حدیث این‌طوری است: «إِنَّهُ لَعَالِمُ الْأَرْضِ وَزُرُّهَا وَإِلَيْهِ تَسْكُنُ وَلَوْ قَدْ فَقَدْتُمُوهُ لَفَقَدْتُمُ الْعِلْمَ وَأَنْكَرْتُمُ النَّاسَ». رک: مفید

حاصل اینکه با مراجعه اجمالی به روایات و احادیث شیعه و اهل سنت و زیارات معتبر، مثل جامعه کبیره، ارتباط وجود سایر ممکنات و بقای زمین، بلکه عالم، نزول باران، برکات و رحمت‌های الهی، افاضه فیوضات و نعمت‌ها به وجود امام علیه السلام فی الجمله ثابت و مسلم است.^۱ چنان‌که شکی نیست که یگانه راه نجات و امان از گمراهی، شناختن امام علیه السلام، قبول امامت او و پیروی از اوست که علاوه بر احادیث متواتر ثقلین و سفینه و امان، حدیث مشهور بین شیعه و اهل سنت که حمیدی در *الجمع بین الصحیحین* آن را روایت کرده است، با کمال تأکید و توعید بر آن دلالت دارد، متن این حدیث به روایت حمیدی رادر «*جمع بین الصحیحین*» این است:

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^۲

«هرکس بمیرد و امام زمان خود را نداند، مانند جاهلیت، مرده

است، (مانند) مردن جاهلیت».

و فخر رازی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمود:

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ فَلَيْمَتْ إِنْ شَاءَ

يَهُودِيًّا وَإِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا»^۳

«هرکس بمیرد و نشناخته باشد امام زمان خود را، پس

اگر خواست یهودی بمیرد و اگر خواست نصرانی».

۱. رجوع شود به کتاب‌ها و جوامع حدیث مثل *الکافی*، *الوافی*، *بحار الانوار* و *درر البحار* و غیره.

۲. محدث نوری، *کشف الاستار*، ص ۷۸ - ۷۹. (به نقل از حمیدی، *الجمع بین الصحیحین*).

۳. فخر رازی، *المسائل الخمسون*، ص ۷۱ (مسألة الخامسة والاربعون).

و تصریح به این بیان و اقتباس از فرمایش حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله است، کلام معجز نظام خلیفه و وصی آن حضرت علی علیه السلام که مفخر علمای اسلام سید رضی از آن حضرت روایت نموده است:

«وَأِنَّمَا الْأَنْبِيَاءُ قَوَامُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَعَرْفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَعَرَفُوهُ وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَأَنْكَرُوهُ»^۱

۱. نهج البلاغه خطبه ۱۵۲ (ج ۲، ص ۴۰ - ۴۱).

عالم جلیل حاج میرزا ابوالفضل تهرانی رحمته الله در شرح زیارت عاشورا، در موضوع معرفت امام در کتاب *نصفاء الصدور* خود کلامی را ذکر کرده که نقل می‌شود: معرفت ائمه علیهم السلام مراتبی دارد.

مرتبه اول، احاطه به مقام ایشان است - نماز و دعا - و این مرتبه در حیز افهام ما نیست: جمله ادراکت بر خرهای لنگ و سوار باد پایان چون خدنگ

و حدیث شریف «مَنْ عَرَفَنَا فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ»، می‌تواند اشاره به این معنا باشد و حدیث معروف که شیخ صدوق رحمته الله روایت کرده که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «وَمَا عَلَيَّ إِلَّا أَنَا وَأَنْتَ وَلَا عَرَفِي إِلَّا اللَّهُ وَأَنْتَ وَلَا عَرَفَكَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَا» بنا بر عموم ثبوت احکام امیرالمؤمنین علیه السلام این ائمه علیهم السلام چنانچه در اخبار وارد شده - شاهد صدق این مدعی باشد.

مرتبه دوم، اطلاع بر اسرار و سرایر، و وقوف بر بواطن و ضمایر ایشان است به حدی که طاقت بشر اقتضا کند؛ این هم مراتبی دارد و مقول به تشکیک است و این درجه خصیصین شیعه و صدیقین و اولیاست و از اخبار اهل بیت علیهم السلام معلوم می‌شود که سلمان فارسی و ابوحمزه ثمالی و یونس بن عبدالرحمن مولی آل یقطین و جماعتی دیگر، هریک به مرتبه‌ای از مراتب این مقام رسیده‌اند و مستفاد از مجموع اخبار آن است که در صحابه افضل از سلمان نیست و این حکم جاری در اهل بیت علیهم السلام نیست، چون او به تنزیل از ایشان شده و ایشان به تحقیق از این طایفه هستند.

مرتبه سوم، اطلاع بر مراتب کمالات و مدارج مقامات عالیّه ایشان است؛ چنانچه از اخبار اهل بیت علیهم السلام و آثار شریفه ایشان ظاهر می‌شود، از علم و حلم و تقوا و شجاعت و سماحت و احتیاج

«همانا امامان از سوی خدا و به امر خدا، قائم بر خلق خدا و برپادارندگان آنها، و مدبر و مدیر امور، نگهبان مصالح و سرپرست بندگان خدا می‌باشند. داخل بهشت نمی‌شود مگر آن کس که بشناسد ایشان را و ایشان او را بشناسند و داخل آتش نمی‌شود مگر کسی که ایشان را نشناسد و انکار کند و امامان علیهم‌السلام او را نشناسند و انکار نمایند».

و در رابطه با این مسائل است فرمایش دیگر آن حضرت:

«أَلَا إِنَّ مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم‌السلام كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ إِذَا حُورٍ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ»^۱

«آگاه باشید که با تحقیق مثل آل محمد علیهم‌السلام مثل ستاره‌های آسمان است که هرگاه ستاره‌ای غروب کند، ستاره دیگر طلوع نماید».

این گونه احادیث و احادیثی که مدلول آنها گسترده‌تر است، از حد تواتر گذشته است و مورد نظر در این رساله، استقراء و احصای آن

جمع خلق در امور به ایشان و وساطت ایشان در صدور جمیع فیوض الهی و مواهب ربانی و اینکه امامت بر جمیع ما فی الوجود دارند و این مقام علما و فقها و مؤمنین از حکما و عرفاست و هرکس هرچه بیشتر از مشکات انوار مقدس ایشان اقتباس کرده و زیادتیر از بحر محیط فضایلشان اغترف نموده، در این مرحله ثابت‌قدم‌تر و صاحب منزلت‌تر است.

مرتبه چهارم، اعتراف به امامت ایشان و دارایی کمالات است اجمالاً، و این حظّ عوام است و جمیع مراتب از تشکیک و اختلاف، به حسب اختلاف استعداد اصحاب آنها، خالی نیست. رک: تهرانی،

شفاء الصدور، ج ۲، ص ۴۸ - ۵۱

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۰ (ج ۱، ص ۱۹۴).

احادیث و تحقیق در مقدار دلالت آنها نیست، که احصا و بررسی این احادیث به کاوش بسیار و مطالعات زیاد و تألیف کتابی مفصل و بزرگ نیاز دارد.

آنچه در این رساله به طور مختصر در نظر است، توجیه و تفسیر عقلی و علمی و منطقی این وابستگی و بیان امکان و صورت وقوع آن است که در ضمن چند بیان توضیح و توجیه می شود و اگرچه بحث و بررسی را می توان در زمینه قرار داد؛ یکی ارتباط اصل وجود ممکنات به وجود امام علیه السلام و دیگری ارتباط بقای آنها به وجود آن حضرت علیه السلام اما به ملاحظه اختصار و عدم تکرار، طی چند بررسی و توجیه، معقولیت و منطقی بودن هر دو جهت را به یاری خداوند متعال بیان خواهیم کرد.

وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ.